



## درس فارج اصول استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

تاریخ: ۱۱ آذر ۱۳۹۱

موضوع کلی: وضع

مصادف با: ۱۶ محرم الحرام ۱۴۳۴

موضوع جزئی: تقسیم اول وضع - بررسی صحت تقسیم وضع به تعین و تعینی

جلسه: ۳۲

سال: چهارم

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

### اقسام وضع:

بعد از بحث پیرامون حقیقت وضع و بررسی مبانی مختلف در این رابطه اکنون به بحث از انقسامات وضع می پردازیم.

### تقسیم اول: وضع تعینی و تعینی

وضع از جهات مختلف منقسم به اقسامی می شود، یکی از انقسامات وضع که مشهور شده تقسیم وضع به وضع تعینی و تعینی است. این تقسیم برای وضع به اعتبار واضع است که آیا واضع معین است یا غیر معین؟

**وضع تعینی:** بنا بر آنچه که مشهور است وضع تعینی عبارت است از ارتباط و علقه ای که بین لفظ و معنی از ناحیه واضع معین ایجاد می شود.

**وضع تعینی:** عبارت است از علقه و ارتباطی که بین لفظ و معنی حاصل شده و ناشی از کثرت استعمال است نه واضع معین. البته ما تعریف وضع تعینی و تعینی را به گونه ای بیان کردیم که با همه مبانی در باب وضع قابل تطبیق باشد چون همه این مبانی علقه و ارتباط بین لفظ و معنی را قبول دارند، لذا وضع تعینی عبارت است از علقه و ارتباطی که ناشی از یک واضع معین است و وضع تعینی عبارت است از علقه و ارتباطی که ناشی از کثرت استعمال است.

### بررسی صحت این تقسیم:

آنچه در این مقام مهم است به آن پرداخته شود بررسی صحت این تقسیم است که آیا اساساً انقسام وضع به تعینی و تعینی صحیح است یا خیر؟

این مطلب را ما ابتدائاً طبق آراء مختلف در باب وضع بررسی می کنیم و سپس تقسیم وضع به تعینی و تعینی را در نظریه مختار مورد بحث قرار خواهیم داد.

بر اساس مبانی مختلف در باب وضع تقسیم وضع به تعینی و تعینی متفاوت است؛ یعنی طبق بعضی از مبانی این تقسیم صحیح و طبق برخی دیگر از مبانی این تقسیم صحیح نیست.

بر طبق مبنای مرحوم آخوند که وضع را عبارت از یک نحوه اختصاص لفظ به معنی دانستند این تقسیم صحیح است چون این اختصاص هم می تواند ناشی از تعیین یک واضع باشد و هم می تواند ناشی از کثرت استعمال باشد و اصلاً مرحوم آخوند علت اینکه این تعریف را اختیار و از تعریف مشهور عدول کردند، این بود که تقسیم وضع به تعینی و تعینی صحیح باشد لذا

بعد از تعریف حقیقت وضع ایشان فرمود: و مِنْ ثَمَّ صَحَّ تَقْسِيمُهُ إِلَى التَّعْيِينِي وَ التَّعْيِينِي. وقتی که ما حقیقت وضع را یک نحوه اختصاص بدانیم دیگر مهم نیست که این اختصاص چگونه حاصل می‌شود و آن را یک نفر به نام واضع تأسیس و ایجاد کند یا به مرور و در اثر کثرت استعمال حاصل شود، پس هر دو قسم در دایره حقیقت وضع گنجانده می‌شود.

بر طبق مبنای کسانی که وضع را عبارت از تعیین و تخصیص می‌دانند یعنی نظر مشهور نیز، این تقسیم قابل قبول نیست؛ زیرا وقتی ما حقیقت وضع را عبارت از تعیین و تخصیص بدانیم معنی ندارد که سخن از تعیین و تخصیص مطرح شود، بر اساس این نظر وضع یعنی تعیین اللفظ او تخصیص اللفظ للمعنی، پس در این صورت قرار دادن تعیین و تخصیص به عنوان قسمی از این حقیقت صحیح نخواهد بود چون کاملاً واضح و روشن است که تعیین و تخصیص با تخصیص و تعیین فرق دارد لذا وقتی گفته می‌شود وضع یعنی تعیین کردن لفظ برای معنی نمی‌توان لفظی که در اثر کثرت استعمال تعیین در معنایی پیدا می‌کند را از اقسام وضع دانست.

۳- بر اساس مبنای کسانی که وضع را عبارت از یک ملازمه واقعی می‌دانند که در اثر اعتبار حاصل شده مثل محقق عراقی این تقسیم مشکلی ندارد و صحیح است؛ چون این ملازمه واقعیه بین لفظ و معنی گاهی به جعل و اعتبار حاصل می‌شود و گاهی به کثرت استعمال، مهم آن ملازمه واقعیه‌ای است که بین لفظ و معنی حاصل شده که طبق این نظریه، وضع همان ملازمه می‌باشد و این حقیقت هم در وضع تعیینی موجود است و هم در وضع تعیینی، پس طبق این مبنا هم تقسیم وضع به تعیینی و تعیینی صحیح است.

۴- بر اساس مبنای تعهد که مرحوم نهاوندی و مرحوم محقق حائری و به تبع ایشان مرحوم آقای خوئی آن را پذیرفتند تقسیم وضع به تعیینی و تعیینی صحیح نیست، البته مرحوم آقای خوئی تلاش می‌کند که تقسیم وضع به تعیینی و تعیینی را طبق نظریه تعهد تصحیح کند. ایشان می‌گویند وضع عبارت است از تعهد لکن اگر این تعهد ابتدایی باشد وضع تعیینی است و اگر تعهد ابتدایی نباشد بلکه منشأ این تعهد کثرت استعمال باشد این وضع تعیینی است، پس در هر دو قسم از اقسام وضع تعهد وجود دارد لکن تعهد در وضع تعیینی، ابتدایی است و در وضع تعیینی این تعهد ناشی از کثرت استعمال است.<sup>۱</sup> ولی حق آن است که طبق نظریه تعهد ما نمی‌توانیم وضع تعیینی را از اقسام وضع بدانیم؛ زیرا تعهد اصولاً در وضع تعیینی متصور است ولی در وضع تعیینی قابل تصور نیست چون در وضع تعیینی فرض این است که کسی به نام واضع متعهد می‌شود که در هنگام قصد تفهیم فلان معنی از فلان لفظ استفاده کند(در مورد اینکه متعلق تعهد چیست سه احتمال وجود داشت که آنها را سابقاً ذکر کردیم). به‌رحال صرف نظر از اختلافی که در متعلق تعهد وجود دارد اجمالاً مسئله این است که اساس تعهد در مورد واضع در وضع تعیینی معقول و متصور است که کسی متعهد شود که چنانچه خواست معنایی را به مخاطب تفهیم کند از فلان لفظ استفاده کند اما در وضع تعیینی اصلاً تعهدی نیست چون فاعل و متعهدی وجود ندارد و تعهد چیزی نیست که خود به خود

۱. محاضرات فی اصول الفقه، ج ۱، ص ۵۳.

ایجاد شود، در وضع تعین، تعهد از ناحیه کسی ایجاد می‌شود اما در وضع تعین چنین تعهدی ایجاد نمی‌شود چون در وضع تعین گفته شد که کثرت استعمال موجب می‌شود که لفظ بدون قرینه بر یک معنایی دلالت کند که در این صورت نه می‌توان گفت نفر اول متعهد است و نه نفر وسط و نه نفر آخر بلکه به مرور در اثر کثرت استعمال لفظی بدون قرینه بر معنایی دلالت می‌کند پس تعهدی وجود ندارد لذا به نظر می‌رسد بر اساس نظریه تعهد تقسیم وضع به تعین و تعین صحیح نباشد. بعلاوه شاهد دیگر بر اینکه بنا بر نظریه تعهد، وضع تعین نمی‌تواند از اقسام وضع باشد این است که وقتی در اثر کثرت استعمال لفظی بر معنایی دلالت کند نیازی به تعهد نیست؛ چون غرض از تعهد این است که لفظ بر معنی دلالت کند و وقتی لفظی در اثر کثرت استعمال بر معنایی دلالت کرد این غرض حاصل است و تعهد فایده‌ای ندارد و لغو خواهد بود و متعهد شدن معنی و مفهومی ندارد.

**سؤال:** این صحیح نیست که بگوییم در وضع تعین، تعهد معنی و مفهومی ندارد و لغو است چون تعهد از همان زمانی که لفظ بدون قرینه در معنای مورد نظر استعمال می‌شود حاصل می‌شود و جمعی متعهد می‌شوند که فلان لفظ بدون قرینه در فلان معنی استعمال شود مثلاً عقلاء متعهد می‌شوند که فلان لفظ در فلان معنی استعمال شود پس در وضع تعین هم تعهد وجود دارد لکن این تعهد از ناحیه جمع صورت می‌گیرد نه شخص.

**استاد:** وضعی تعین این است که لفظی در یک معنای مجازی به وسیله قرینه استعمال می‌شود و به مرور آن قدر استعمال لفظ در آن معنی زیاد می‌شود که آن قرینه خود به خود حذف می‌شود. پس دیگر معنی ندارد که گفته شود در این صورت شخص متعهد شده که لفظ در فلان معنی استعمال شود چون مشخص نیست که متعهد کدام یک از مستعملین هستند چون تعهد به این معنی است که متعهد با قصد و توجه اراده می‌کند فلان لفظ را برای فلان معنی به کار برد مثلاً متعهد می‌شود که لفظ حرم را برای مشاهده مشرفه به کار برد که وقتی این لفظ را در این معنی به کار برد دیگران هم آن را در همان معنی استعمال می‌کنند و این تعهد در وضع تعین متصور نیست چون تعهد قصد و توجه می‌خواهد که در این قسم از وضع قابل تصور نیست چون هیچ یک از مستعملین این قصد و توجه را ندارند و فقط در اثر کثرت استعمال است که قرینه کنار گذاشته می‌شود و لفظ مورد نظر در معنای آن استعمال می‌شود. پس تعهد نسبت به غیر واضح معین معنی ندارد چون این دلالت خود به خود به واسطه کثرت استعمال حاصل شده است در حالی که معنای تعهد این است که واضع متعهد می‌شود برای تفهیم معنایی از لفظ خاص استفاده کند لذا وقتی کثرت استعمال این غرض را تأمین می‌کند نیازی به تعهد جداگانه نیست چون تحصیل حاصل است و آن تعهد لغو خواهد بود.

بر طبق مبنای تنزیل و هوهویت اعتباری هم این تقسیم صحیح نیست چون در تنزیل در واقع جعل مطرح است ولی در وضع تعین جعل و اعتبار هوهویت نیست بلکه آنچه هست کثرت استعمال است.

ممکن است گفته شود در وضع تعینی هم اعتبار و جعل است ولی معتبر آن عقلاء هستند ولی ما این را قبول نداریم و در ضمن بررسی این تقسیم طبق نظریه مختار آن را عرض خواهیم کرد که اصلاً قیاس این اعتبار به اعتبارات عقلائی دیگر که از طرف برخی صورت گرفته صحیح نیست.

بر طبق مبنای قرن اکید (حقیقت وضع مقارنه بین لفظ و معنی است) که مختار شهید صدر بود نیز تقسیم وضع به تعینی و تعینی صحیح است. خود ایشان هم به این مطلب تصریح کردند.<sup>۱</sup> چون ایشان فرمود اقترا ن بین لفظ و معنی ممکن است توسط یک عامل کیفی یعنی وضع محقق شود که همان وضع تعینی است و ممکن است توسط یک عامل کمی یعنی تکرار مقارنت محقق شود که همان وضع تعینی است. ما سابقاً در توضیح فرمایش ایشان عرض کردیم که ایشان وقتی می‌گوید حقیقت وضع اقترا ن بین لفظ و معنی است این اقترا ن تارةً به سبب یک عامل کیفی و اخری به سبب یک عامل کمی حاصل می‌شود یعنی گاهی تکرار مقارنت، موجب قرن اکید می‌شود و گاهی این قرن اکید توسط یک واضع ایجاد و انشاء می‌شود و در اثر استعمال واقعیت پیدا می‌کند. پس طبق نظریه قرن اکید هم تقسیم وضع به تعینی و تعینی صحیح است.

۷- بنا بر نظریه اعتبار تقسیم وضع به تعینی و تعینی صحیح نیست چون طبق این دیدگاه وضع عبارت است از اعتبار واضع و حقیقت وضع همان اعتبار واضع است که این معنی از وضع در وضع تعینی محقق است ولی در وضع تعینی تحقق ندارد چون لفظ در اثر کثرت استعمال در یک معنایی تعین پیدا می‌کند و نیازی به اعتبار نیست و اصلاً معتبر وجود ندارد چون تحصیل حاصل است.

ممکن است گفته شود طبق این دیدگاه هم تقسیم وضع به تعینی و تعینی صحیح است چون در وضع تعینی هم اعتبار صورت می‌گیرد لکن اعتبار توسط یک شخص نیست بلکه توسط اهل محاوره و عقلاء می‌باشد و معتبر عقلاء و عرف می‌باشند. ولی ما در پاسخ می‌گوییم این حقیقتاً اعتبار نیست، اینکه عقلاء بعد از استعمال کثیر، از یک لفظی بدون قرینه معنای مجازی آن را بفهمند و از آن لفظ در مقام تفهیم آن معنای مجازی استفاده کنند اعتبار محسوب نمی‌شود.

**بحث جلسه آینده:** بررسی این نکته که آیا تقسیم وضع به تعینی و تعینی بنا بر نظریه مختار صحیح است یا نه بحثی است که انشاء الله در جلسه آینده به آن خواهیم پرداخت.

«والحمد لله رب العالمین»

۱. بحوث فی علم الاصول، ج ۱، ص ۸۱.